

فقه اقتصاد مقاومتی

حمایت از کالای داخلی

جلسه دوم

تاریخ	پنج شنبه / ۱۱ - مهر ماه - ۱۳۹۸
مبحث ارائه شده	مباحث مقدماتی
زمان فایل صوتی	۴۷ دقیقه
حجم فایل صوتی	
مکان	موسسه فرهنگ و تمدن توحیدی

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع بحث

دوستان با مکاسب محرمه آشنایی دارند. بحث اعظم برخی از بحث ها موضوع شناسی است. گاهی در بعضی بحث ها ابتدای بحث می فرمایند به ادله اربعه حکمش مثلا حرمت است و بعد بقیه را وارد مباحث موضوع شناسی می شود. در مکاسب معمولاً به این بحث ها می پردازد و مورد دقت قرار می دهد.

در رابطه با موضوع شناسی، عرض کردیم که سطح دوم و سوم موضوع شناسی در شناخت موضوع بسیار مهم است تا این که این فرع به اصل مربوطه اش درست ارجاع داده شود. در بحث حمایت از کالای ایرانی هم به همین نحو است. اساساً فلسفه طرح بحث حمایت از کالای ایرانی، چه بوده؟ و حتی رهبری می فرمایند به

بعضی از قشرها و صراحتاً به قوه مجریه فرموده اند که مصرف کالاهای خارجی را برخورد حرام کنید. و بحث مصرف حمایت از کالاهای داخلی را در برخی موارد می فرمایند لازم و واجب است. خوب پس اصل این قضیه و فلسفه طرح این قضیه باید درست شناخته شود.

دو موضوع را در این جلسه دنبال می کنیم:

جنگ اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران

یک- بحث شناخت جنگ اقتصادی که علیه ما راه افتاد. که آقا بعد از این که بحث جنگ تمام عیار اقتصادی را فرمودند، بعداً بحث حمایت از کالای ایرانی را به عنوان شعار سال مطرح کردند. و بسیار دقیق این شعارها تعیین می شود. سال قبل شعار حمایت از کالای ایرانی را فرمودند. پایان سال ۹۷ فرمودند که من رصد کردم دیدم بسیاری از قشرهای جامعه دنبال کالاهای ایرانی بودند. خودشان هم فرمودند با تعصب دنبال کالای ایرانی باشید. خوب حالا ما رفتیم دنبال حمایت از کالای ایرانی. اما اگر کالا تولید مناسب و تولید با کیفیت نباشد، چه کار باید کرد؟ شعار امسال را رونق تولید گذاشتند. رونق تولید معنای خاصی دارد. حالا چون موضوع بحث ما نیست، ما وارد نمی شویم. ولی بسیار شعار حساسی است نسبت به شعار سال قبل. وقتی که مردم دارند روی می آورند به کالای ایرانی، باید تولید مناسب با این اقدام مردم صورت بگیرد که امسال را به نام رونق تولید قرار دادند.

چون بحث حمایت از کالای ایرانی در برابر جنگ تمام عیار اقتصادی است، یک گزارش خیلی مختصری از شناخت جنگ اقتصادی عرض می کنیم.

تاریخ نشان می‌دهد که حوزه‌ها و علما زمانی اقدام لازم و به موقع در برابر اقدامات اقتصادی دشمنان انجام دادند که درک روشنی از اقدامات آنان پیدا کردند و هر موقع سکوت نمودند یا اقدامات مناسب، حتی اقدامات علمی مناسب انجام ندادند، من شرایط موجود را الان این طور می‌بینیم که حوزه، روحانیون و علما درک روشنی از جنگ اقتصادی که علیه ملت ایران به ویژه علیه خود روحانیت و حوزه‌ها، راه افتاد درک روشنی ندارد ولذا تقریباً ساکت و آرام است. و اگر درک روشنی پیدا کند می‌خروشد. این دشمنی‌ها در قدم اول متوجه حوزه و روحانیت است. چون می‌دانند که در خط مقدم این انقلاب و دفاع از حریم انقلاب خود روحانیت است. و این سکوت و آرام بودن در مقابل این جنگ، از ناحیه علما و حوزه‌ها، به خاطر عدم درک روشن از اقدامات خصمانه و شدید دشمن است. لذا به نظر می‌آید جنگ اقتصادی باید درست درک بشود.

بنده اقدامات جنگ اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را در جلسه قبل از زبان رهبری عرض کردم. اما رهبری به پشتوانه اتفاقات خاصی آن بیانات را داشتند. آن اتفاقات چیست؟ یک گزارش خیلی سریع می‌دهیم.

دوران جنگ تحمیلی (۱۳۵۹ - ۱۳۶۷)

۱. در ۷ آبان ۱۳۶۶ کنگره آمریکا، دامنه وسیعی از تحریم‌های اقتصادی، علمی و نظامی را علیه ایران وضع کرد.

از اول انقلاب ما تحریم بودیم. اما تا اواسط جنگ، صدام خودش را ضد صهیونیست‌ها و ضد آمریکا نشان می‌داد با این که در خدمت آنها بود. ولی آرام آرام علنی شد.

همان طور که عربستان امروزه نسبت به رژیم صهیونیستی همسویی اش را آشکار می کند، صدام هم این طور بود.

۲. دولت آمریکا در سطح بین المللی مانع از ایجاد روابط اقتصادی سایر کشورها با ایران می شد.

در ژانویه ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) به دلیل بمب گذاری در پایگاه نظامی آمریکا در لبنان که ۲۴۱ کشته برجای گذاشت، آمریکا جمهوری اسلامی ایران را در لیست کشورهای حامی تروریسم قرار داد. این امر موجب منع صادرات و فروش کلیه تجهیزات نظامی به ایران شد؛ آقا در یک صحبتی فرمودند، سیم خاردار هم به ما نمی دادند. صادرات تمام کالاهای دارای مصارف دوگانه نظامی و غیر نظامی از سایر کشورها به ایران به شدت کنترل می شد و تمام کمک های مالی به ایران از جمله اعطای وام توسط بانک جهانی قطع گردید.^۱ این جریان تا پایان جنگ هر روز تشدید می شد.

دوران بعد از جنگ تحمیلی (۱۳۶۷ به بعد)

۱- در سال ۱۳۷۱ پس از شکست خوردن عراق در حمله به کشور کویت، آمریکا با تصویب قانون «منع گسترش تجهیزات نظامی ایران و عراق» تحریم جدیدی علیه ایران وضع کرد. به دنبال آن در سال ۱۳۷۲ تحریم اقتصادی جدیدی را علیه ایران آغاز کرد. کشورهای انگلیس، فرانسه، ایتالیا و آلمان از متحدان آمریکا در این تحریم به شمار می آمدند.

^۱. منبع: فتح الله پریشان، پایگاه بصیرت، شناسه خبر: ۲۴۷۴۱۹، تاریخ مراجعه: ۹۷/۴/۲۵، آدرس:

<http://basirat.ir/fa/news/۲۴۷۴۱۹>

۲- آمریکا در سال ۱۳۷۳ تحریم‌ها را تشدید کرد و تمامی ارتباطات تجاری و سرمایه‌گذاری با ایران، از جمله خرید نفت را قطع کرد.

تا آن زمان خود آمریکا هم نفت می‌خرید.

۳- آمریکا برای اینکه سایر کشورها را وادار به همراهی با تحریم‌ها کند، در سال ۱۳۷۴ تقریباً تمامی معاملات تجاری و سرمایه‌گذاری در ایران را ممنوع اعلام کرد و با تصویب طرح داماتو، رئیس‌جمهور آمریکا اجازه یافت شرکت‌های غیرآمریکایی که فن‌آوری صنعت نفت را در اختیار ایران می‌گذاشتند، تحریم و مجازات کند.^۲

۴- تحریم‌ها بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شکل جدیدی به خود گرفت. آمریکا کشورهای ایران، عراق و کره شمالی را محورهای شرارت خواند و در سال ۲۰۰۱ به افغانستان و در سال ۲۰۰۳ به عراق حمله نظامی کرد. اساساً هدف حمله آمریکا به کشورهای اطراف ما و ایجاد پایگاه نظامی، ایران بود. چون این‌ها منشا این جریانات را ایران می‌دانستند.

۵- در سال ۲۰۰۴ آمریکا برنامه‌های ایران برای دستیابی به انرژی هسته‌ای را به تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای تفسیر کرد و تحریم‌ها و خصومت علیه ایران شدیدتر شد.

که حتی به شورای امنیت بردند و مصوبات آنجا را گرفتند.

۶- در کنار تحریم‌های اقتصادی، سال ۲۰۰۶ میلادی، آمریکا ده نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف که به دعوت دانشمندان ایالات متحده

جهت شرکت در یک گردهمایی به کالیفرنیا دعوت شده بودند را دستگیر و زندانی کرد.

همین الان هم زندانی هستند.

۷- در سال ۲۰۰۷ میلادی شرکت‌های آمریکایی «مایکروسافت» و «یاهو»، ایران را از لیست کشورهای که خدمات وب دریافت می‌کردند، خارج ساختند.^۳ در همین سال آمریکا لیستی از بانک‌های ایرانی و تعدادی از نهادها و شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست تحریم‌های خود قرار داد و بانک جهانی نیز اعلام کرد از دادن خدمات به این بانک‌ها و مؤسسات خودداری خواهد کرد.^۴

اینها ابزارهای جنگ اقتصادی ای است که در جلسه قبل عرض کردیم.

۸- جمهوری اسلامی ایران که دشمن اصلی گروه‌های تروریستی منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود و بدین وسیله منافع آمریکا را - آمریکا این گروه‌ها را برای تامین منافع خود اجیر کرده بود - در معرض خطر جدی قرار داده بود، در سال ۲۰۰۹ میلادی آمریکا با تمديد و تشديد تحریم‌ها علیه ایران، مدعی شد: «اقدامات و سیاست‌های دولت ایران در تضاد با منافع آمریکا در منطقه است و تهدیدی نامتعارف و خارق‌العاده برای امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌شود.» در این تحریم‌ها اتحادیه اروپا با آمریکا همراهی گسترده‌ای داشت و در سال ۱۳۹۱ تحریم‌های جدیدی برای فشار بیشتر بر برنامه‌های

۳. همان.

۴. همان.

هسته‌ای ایران وضع کردند. طبق تحریم‌های جدید هرگونه همکاری شرکت‌ها و شخصیت‌های حقوقی با صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران یا بانک مرکزی ممنوع شده است. همچنین مجازات‌هایی برای کسانی که به ایران برای صادرات نفت خامش کمک می‌کنند در نظر گرفته شده است. کسانی که به تغییر پرچم نفت‌کش‌های ایران کمک کنند یا راه‌های دیگر فرار از تحریم‌ها را تامین نمایند نیز مجازات خواهند شد. به علاوه، تحریم‌های جدید مبادلات نفت خام ایران با دیگر کالاها مانند غلات را ممنوع کرد.^۵ اینجا بود که رهبری اعلام کرد تحریم‌ها از سال ۱۳۹۰ وارد جنگ اقتصادی شده است. یعنی کشور آمریکا و همراهانش در شمار کفار حربی محسوب می‌شوند.

شاید گفته شود منظور از کافر حربی، کافر حربی نظامی است نه اقتصادی. بعداً بحث خواهیم کرد که آیا واقعا از ادله این جور استفاده می‌شود یا جنگ اقتصادی، جنگ فرهنگی و جنگ سیاسی کفار را در شمار کافر حربی قرار می‌دهد. در این باره بیشتر صحبت خواهیم کرد.

اینها را که عرض می‌کنیم، بعداً در موضوع شناسی و در بحث فقهی مان، کمک می‌کند که اگر آمریکا یک حکم تکلیفی داشته باشند، حکم تکلیفی خرید کالا از کشورهای همراه با آمریکا چیست. این‌ها تاریخچه اقدامات جنگ اقتصادی است.

۵. همه تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران، سایت خبرگزاری دانشجو (www.snn.ir/Print/213943).

اعتراف آمریکایی‌ها به جنگ اقتصادی

هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا در خاطراتش می‌نویسد: «هدف ما این بود که آن قدر فشار مالی به رهبران ایران وارد کنیم تا هیچ راهی نداشته باشند، جز این که با یک پیشنهاد جدی به میز مذاکره برگردند. ما صنعت نفت، بانک‌ها، و برنامه‌های تسلیحاتی ایران را هدف گرفتیم. همچنین شرکت‌های بیمه، خطوط حمل و نقل، معامله‌گران انرژی، مؤسسات مالی، و بسیاری از بازیگران دیگر را [در لیست تحریم‌ها] نام‌نویسی می‌کردیم تا [سهم] ایران را از تجارت جهانی قطع کنیم ... مسدود کردن دارایی‌های بانک‌های ایرانی خرید بیمه در بازار بین‌المللی را برای تانکرهای ایرانی غیرممکن، و دسترسی آن‌ها به شبکه‌های مالی جهانی را قطع می‌کرد. این یک حمله همه‌جانبه بود.»^۶

رابرت پلیترو، معاون وزیر خارجه آمریکا نیز این گونه از جنگ تمام‌عیار اقتصادی حکایت می‌کند: «آمریکا مصمم است از تمامی امکانات و ابزارهایی که در اختیار دارد برای تضعیف توانایی‌های مالی و اقتصادی ایران استفاده نماید.»^۷

متأسفانه امروز حتی از برخی از آقایان حوزوی می‌شنویم که کالاهای آمریکایی بسیار با کیفیت است. ما کیفیت به این نحو را رها کنیم و از کالاهای ایرانی استفاده کنیم؟!

۶. مصطفی قاسمی، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران و آثار آن، ص ۱۸۷.

۷. همان.

ریچارد نفیو، مسئول تیم طراحی تحریم‌ها علیه ایران در کتاب هنر تحریم‌ها ضمن اعتراف به جنگ تمام‌عیار اقتصادی اظهار می‌کند که به‌رغم تحریم اقلام مختلف کالاهای مورد نیاز ایرانیان، مانع واردات کالاهای لوکس به ایران نشدیم تا ذخیره ارزی ایران با سرعت بیشتری تحلیل برود.^۸

در جنگ اقتصادی پیش‌رو، بیش از ۷۰۰ اقتصاددان در خدمت اتاق جنگ وزارت خزانه‌داری آمریکا هستند و تحولات اقتصاد ایران را به دقت زیر نظر دارند. استوارت لوی در دهمین سالگرد تأسیس سازمان به اصطلاح مقابله با تروریسم و تأمین مالی TFI در سال ۲۰۱۴ می‌گوید: «زمانی که ریاست این اداره به من پیشنهاد شد، هفت نفر بودیم. امروز این مجموعه ۷۰۰ اقتصاددان دارد که بدون آنکه دیده شوند، روی اقتصاد کشورهای هدف از جمله جمهوری اسلامی ایران کار می‌کنند». لوی شخصا به کشورهای مختلف سفر کرده و مسئولان کشورها و حتی شرکت‌های خصوصی را از تجارت با ایران برحذر داشته است.^۹

یکی از دوستان ما در شورای فقهی بانکی می‌گفت این فرد می‌رود با برخی از این شرکت‌ها و مسئولین کشورها، مذاکره می‌کند، صحبت می‌کند. تهدید می‌کند حتی در نهایت در حد قتل! که اگر با ایران ارتباط تجاری داشته باشید، آخرش به آنجا ختم خواهد شد.

^۸. ریچارد نفیو، هنر تحریم‌ها نگاهی از درون، ص ۲.

^۹. مصطفی طاهری، اتاق جنگ در وزارت خزانه‌داری، روزنامه خراسان، ۱۳۹۷/۳/۲۱.

این ها یک گزارشی بود برای فلسفه ایجاد، تحولات تاریخی و اقداماتی که صورت می گیرد درباره حمایت از کالای داخلی و موضوع شناسی آن.

تبیین مفهومی «حمایت» از کالای ایرانی

موضوع دومی که به آن می پردازیم، تبیین مفهومی حمایت از کالای ایرانی. چيستی کالای ایرانی را در جلسه بعد بحث می کنیم. اساسا حمایت از کالای ایرانی واجب است یا حکم دیگری داشته باشد.

این حمایت یعنی چه؟ برای حمایت باید چه کار کنیم؟

خب این موضوع باید ابعادش دقیق شناخته بشود تا از منابع فقهی حکم این موضوع درست استخراج بشود. یک واژه را از ابعاد مختلفی می توان مورد بررسی قرار داد. یکی از آن ابعاد هم هدف از ایجاد این پدیده و موضوع و واژه است.

مهم ترین رویکرد به حمایت از کالای ایرانی به عنوان یک موضوع که دارای حکم فقهی است، بررسی هدف ایجاد چنین موضوعی است.

هدف از ارائه موضوع و پدیده حمایت از کالای ایرانی، مقابله با این جنگ تمام عیار اقتصادی بوده است.

دشمن خواست ما را از طریق جنگ اراده ها و جنگ اقتصادی به زانو در بیاورد و شکست بدهد، از طریق قطع ارتباطات، تولیدات و اشتغال ما و ایجاد بیکاری، به ما صدمه بزند و به جنگ اقتصادی ما آمد. در مقابل این جریان، موضوع حمایت از کالای ایرانی مطرح شد.

اگر این را بخواهیم بپذیریم، باید حمایت از کالای ایرانی به گونه ای اتفاق بیفتد که مقابله با این جنگ رقم بخورد. پس اگر بگوییم حمایت از کالای ایرانی مثلاً در امسال واجب است. خوب ما باید چه کار کنیم؟ کالای ایرانی بخریم. یک بار بخریم کافی است؟ مسمای خرید محقق شد، آیا تکلیف از گردن ما ساقط شد؟ یا مقابله با جنگ تمام عیار اقتصادی را موضوع حمایت از کالای ایرانی قرار دادیم. و تا زمانی که آن جنگ اقتصادی هست، باید حمایت از کالای ایرانی به گونه ای انجام بشود که دفاع صورت بگیرد و آن جنگ از بین برود. فلسفه ایجادش این است. نه این که حالا مثلاً با خرید یک کالای ایرانی بگوییم مسمای حمایت از کالای ایرانی اتفاق افتاد و تکلیفمان را انجام دادیم و از این به بعد می توانیم کالاهای دیگر کشورها را بخریم.

بنابراین با این تلقی، کالایی که می گوییم اعم از کالای نهایی، کالای واسطه ای و مواد اولیه است.

برای مثال، یک لیوان را ما کالای نهایی در نظر می گیریم. کالای واسطه ای، ماشین آلاتی است که این را تولید می کند. کالای اولیه، مواد اولیه این لیوان است.

کالای نهایی آن کالایی است که مصرف می کنیم.

پس وقتی می گوییم حمایت از کالای ایرانی مرادمان هم کالای اولیه، هم کالای واسطه ای و هم کالای نهایی است. چون اگر از هر کدام این ها حمایت لازم انجام نگیرد، فلسفه حمایت از کالای ایرانی اتفاق نمی افتد.

اما این که کالای ایرانی دارای چه ویژگی هایی است و چگونه باید تعریف کرد، آن را در یک جلسه مفصل بحث خواهیم کرد.

اما حمایت یعنی چه؟ به نظر می آید با توجه به توضیحاتی که داده شد و با توجه به تعریف این موضوع، و فلسفه ایجادش، حمایت این گونه تعریف می شود.

حمایت از کالای ایرانی یعنی خریداری و مصرف پایدار کالای تولید شده ایرانی توسط هر فرد ایرانی یا غیر ایرانی.

و اگر از کالای ایرانی خریداری و مصرف پایدار نشود، حمایت از کالای ایرانی به عنوان یک موضوع مقابله با تحریم و جنگ اقتصادی اتفاق نخواهد افتاد. ممکن است با خریداری و مصرف بگوییم مسما حاصل شد و تکلیف ساقط شد، این خریداری و مصرف پایدار نیست. و قید پایدار به همین خاطر آمده.

غیر ایرانی هم به همین خاطر آمده که اگر تولیدات به حدی است که مصرف پایدار داخلی اشباع شد، باید زمینه صادرات را فراهم کنیم و دشمن را مایوس کنیم و در این جنگ شکست دهیم. این ابزار دفاعی ماست.

توضیح مولفه پایداری در خرید و مصرف

اگر آن چیزی که تولید می شود در انبارها بماند، هم جریان تولید صدمه می خورد، هم جریان اشتغال صدمه می خورد، نیروهای کار بیکار می شوند. وقتی بیکار شدند در آمد ندارند. مطالبه گر می شوند. جریان سیاسی به دنبالش راه می افتد. جریان امنیتی علیه جمهوری اسلامی راه می افتد و دشمن از این فضا حد اکثر سوء استفاده را خواهد کرد.

لذا منظور از حمایت از کالای ایرانی، خریداری و مصرف کالای تولید شده ایرانی آن هم به نحو پایدار است. تا به هدف دفاعی خودمان در این جنگ اقتصادی برسیم.

پایداری در خرید و مصرف کالای ایرانی با چه مولفه هایی اتفاق خواهد افتاد؟ اگر ما بخواهیم خرید و مصرف پایدار در مورد کالای ایرانی اتفاق بیفتد. مولفه های این پایداری چیست؟ این مولفه ها احکام فقهی خاص خودشان را دارند.

الزامات پایداری در خرید و مصرف

الف. تولید مطابق با نیاز و ذائقه مصرف کننده

تولید کالای ایرانی باید مطابق با نیاز و ذائقه مصرف کننده اعم از مصرف کننده ایرانی و غیر ایرانی باشد. حتی بر اساس مبانی اسلامی ذائقه سازی بکنند. الان هم این جوری است، الان هم نیازهایمان را خودمان تعیین نمی کنیم. ذائقه مصرفی مان را خودمان تعیین نمی کنیم. برای ما تعیین می کنند که چه بخوریم و چه بپوشیم. یک نمونه اش مانتوی خانم ها است. هم ذائقه سازی، نیاز سنجی، نیازسازی و بر اساس آن اقدام می کنند.

الان در قضیه چادر مشکی هم همین است. چه مشکلاتی برای پوشش اصلی ملی ما ایجاد کرده اند و قیمت آن را به یک میلیون تومان رسانده اند، از آن طرف مانتوهایی با آن شکل را با چه قیمت های ارزانی و تبلیغ و ترویج به بازار عرضه می کنند. جریان حزب الله اگر توزیع جامعه را به دست نگیرد، اساسا الگوی مصرف اسلامی ایرانی بی معنا خواهد بود. خب این کار را باید کسانی که حمایت از کالای ایرانی را می خواهند انجام بدهند به دست بگیرند.

بنابر این البته تبلیغ، نیازسازی، ذائقه شناسی، و تولید مطابق با نیاز و ذائقه مصرف کننده، باید در چارچوب موازین اسلامی صورت گیرد. هیچ اشکالی ندارد این که ما برای آن ها نیازسازی اسلامی انجام بدهیم. به دنبالش ذائقه سازی انجام دهیم. بعد

نیاز سنجی و ذائقه سنجی کنیم و تبلیغ کنیم و مجموعه را باید با ابزارهایی به این سمت و سو بیاوریم.

ب. تولید با کیفیت مناسب

همه مبتلا هستیم. البته بنده از اول سال ۹۷ در خانه اعلام کردم که اگر کسی کالای غیر ایرانی که ضرورت نداشته باشد در زندگی و مشابه داخلی نداشته باشد، هر کس بخواهد بخرد از بیت المال خانه حساب نخواهد شد! واقعا دشمن از همین طریق ضربه می زند. کیان اسلام و روحانیت و حوزه ها را از همین طریق مورد حمله قرار داده.

تولید کالای ایرانی باید نسبت به کالاهای مشابه خارجی با کیفیت مناسب باشد. متأسفانه بعضی از تولیدکنندگان نهایت سوء استفاده را می کنند که برای این ها هم جریان مطالبه گری باید راه بیفتد. ما در مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی یک کارهایی از این جهت داریم انجام می دهیم. که از درون حوزه و در سطح ملی جریان مطالبه گری برای این قضیه اتفاق بیفتد. جریان مطالبه گری بسیار نقش خواهد داشت در زمان هایی که تعیین کننده این که کدام جریان سیاسی باید مقدرات قانون گذاری و مدیریت کشور را به عهده بگیرد. جریان مطالبه گری بسیار اثر گذار است. و حوزه در این مسئله قطعا نقش بی بدیل خواهد داشت اگر با بصیرت عمل بکند.

اگر تولید کننده نخواهد این کار را انجام بدهد، ممکن است بگوییم به تکلیف شرعی اش عمل نکرده. و هم باید تکلیف شرعی او مشخص شود و به دنبال آن جریان

مطالبه گری راه بیفتد و تولید با کیفیت مناسبی که رغبت مصرف کننده ایرانی را ایجاد بکند و تقاضای او را پایدار کند.

ج. مصرف متعصبانه

مصرف کننده چه کار کند؟ منتظر بماند تا تولید با کیفیت اتفاق بیفتد و بعد برود کالای ایرانی را بخرد؟ یا نه باید ما هم به کمک این جریان برویم با خرید و مصرف پایدارمان. ممکن است گاهی اوقات زمینه تولید کالای با کیفیت فراهم نیست. خوب اگر ما نخواهیم کالاهای با کیفیت پایین تر از کالای خارجی را بخریم، پس کی آن تولید کننده توان بالابردن کیفیت را پیدا می کند؟ اینجا است که آقا فرمودند که مصرف متعصبانه را باید دنبال کنیم. و این تعبیر خود رهبری است.

در واقع اینجا باید از روایات فراوان حمیت و غیرت در اسلام باید استفاده کرد. و باید از آن ادله اینجا استفاده کرد.

ما نباید منتظر باشیم که کالای تولیدی با کیفیت قابل رقابت با تولیدات خارجی ایجاد بشود و بعد بگوییم حالا برویم کالای داخلی را خریداری و مصرف کنیم.

آیه الله خامنه‌ای، در این باره می‌فرمایند:

«آن چیزهایی که مشابه داخلی دارد، متعصبانه و با تعصب تمام، ملت ایران، خارجی آن را مصرف نکنند. من فقط برای متدینین و افرادی که برای حرف ما حجّیت شرعی قائلند، این را نمی‌گویم»

این خودش معنا دارد یعنی این که ما باید برای حرف آقا حجیت شرعی قائل باشیم.

«من این حرف را برای هر کسی می‌گویم که به ایران علاقه‌مند است، به آینده کشور علاقه‌مند است، به فکر بچه‌های خودش است که بنا است فردا در این کشور زندگی کنند. شما مصنوعات خارجی را که مصرف می‌کنید، در واقع کمک می‌کنید به اینکه حجم آن بنگاه خارجی، آن کارگر خارجی، آن سرمایه‌دار خارجی، مدام بیشتر بشود و تولید داخلی ضربه بخورد، شکست بخورد. این را به همه مردم، بخصوص آن کسانی که مصارف زیادی دارند [می‌گویم]؛ دولتی‌ها هم همین‌جور؛ دولتی‌ها هم در مصارف دولتی، در اشیاء مصرفی‌ای که در ساختمانها، در چیزهای گوناگون مصرف می‌کنند، حتماً ملاحظه کنند تولید داخلی را.»

اینجا دیگر به طریق اولی باید بگوییم حوزوی‌ها و نهاد روحانیت، از ساختمان سازی از وسایل شخصی‌اش و از همه امکاناتی که استفاده می‌کنند. البته ما یک کارگروه حمایت از کالای ایرانی در نهاد روحانیت تشکیل داده ایم که الحمدلله طرح خوبی هم نوشتند و به طور جدی دارند کار می‌کنند و شش تا از مراکز مهم حوزوی در آنجا نماینده دارند و دارند کار می‌کنند.

«با تعصب دنبال کالای ایرانی بگردید؛ فروشنده، کالای ایرانی بفروشد؛ خریدار، کالای ایرانی بخرد؛ مسئولین تولید ایرانی را کمک کنند و حمایت بکنند و از واردات و قاچاق جلوگیری کنند.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای روشن نمودن مفهوم و مصداق تعصب در مصرف کالای ایرانی به یک نوع رفتار متعصبانه ورزشی ملی مثال می‌زنند و تمام ملت را در مصرف کالای ایرانی به آن نوع رفتار دعوت می‌کنند:

«جوان‌های ما تعصب دارند نسبت به فلان تیم فوتبال؛ یکی طرفدار تیم قرمز است، یکی طرفدار تیم آبی است، [آن هم] با تعصب و حتی [تعصب] به تیم‌های خارجی؛ یکی طرفدار تیم رئال است، یکی طرفدار تیم [دیگر]، اینها تعصب نسبت به این تیم‌ها دارند؛ اگر همین مقدار و همین اندازه تعصب را نسبت به اقتصاد ملی و تولید داخلی داشته باشیم، بسیاری از کارهای ما اصلاح خواهد شد».

بنابراین اگر ما ببینیم که کالای با کیفیت مناسب در داخل ایران تولید نمی‌شود با تعصب و حمیت غیرت اسلامی باید با این مسئله برخورد کنیم. عرضم تمام. دوستان اگر سوالی دارند بفرمایند.

پرسش و پاسخ

س- چطور این تعصب باعث سوء استفاده تولید کننده نمی‌شود؟ مثل ایران خودرو و سایپا که این حمایت نتیجه عکس داده است.

پ- یک جواب راهبردی می‌دهم و یک جواب تاکتیکی. جواب راهبردی این است که ما باید به مرحله سوم آن فرایند انقلاب برسیم. دولت اسلامی. ما چهل سال پشت در دولت اسلامی مانده ایم. باید حرکت‌ها تنظیم شود و آن شاخصه‌هایی که رهبری تبیین کرده اند را برسیم. اگر آن برسیم، واقعا دولت و ملت ید واحده خواهند شد.

اما تاکتیکی. جریان مطالبه‌گری را ما باید تقویت بکنیم. هم نسبت به تولید کننده، هم نسبت به مصرف کننده و هم نسبت به نهادهای حاکمیتی. که این کار را اگر شما کمک کنید و با بصیرت وارد این حوزه بشوید تا حد زیادی این توانایی را دارید. البته مطالبه‌گری فقط داد و فریاد نیست. حمایت هم هست. الان همین بحث

حمایت از کالای ایرانی در نهاد روحانیت را که داریم دنبال می کنیم، بعضی از اعضای کمیته کارشناسان دارند با تولید کنندگان یک هماهنگی هایی می کنند که شما کالاهای با کیفیت مناسب تولید بکنید. بستر توزیع در داخل و خارج را ما برای شما فراهم می کنیم. نگران توزیع و فروشتان با قیمت مناسب نباشید. این کارها باید صورت بگیرد.

س- در بحث حمایت از کالای داخلی، به نظر می رسد ما باید مصرف گرایی را ترویج کنیم، آیا این درست است؟

پ- عرض کردیم الگوی اسلامی ایرانی مصرف. ما مصرف گرایی را نمی خواهیم ترویج کنیم. الگوی اسلامی ایرانی مصرف را باید در کنار این مسئله دنبال کنیم. من معتقدم که اساس الگوی مصرف اسلامی سه واژه است. که با تبیین این سه واژه مشخص می شود. حرام بودن مصرف اسراف و اقتاری و جایز بودن مصرف اعتدالی. این دو حد افراطی مصرف است که از دیدگاه اسلام حرام است. در این چارچوب ما ذائقه سازی، نیازسازی، نیاز سنجی و ذائقه سنجی و تبلیغ و دعوت به مصرف کنیم. س- به نظر می رسد که یک طرح جایگزینی می خواهد در اقتصاد غرب، چرخه به خوبی می چرخد. ما اگر بخواهیم بگوییم اعتدالی مصرف کن، با توجه به شرایط تحریم، مثلاً اتفاق را باید مطرح کرد. که کالای ایرانی اتفاق کن. ولی باید این چرخه اتفاق بیفتد که این خرید از تولید کننده صورت بگیرد.

پ- صادرات. بهترین کار صادرات است. و تحریم هم مانع نیست. ما راه های فراوانی برای صادرات داریم. من برای مجموعه هایی که از سوریه و عراق و ... می آیند اقتصاد مقاومتی با مدل جبهه مقاومت اقتصادی بیان می کنم. ما چطور می توانیم

جبهه مقاومت اقتصادی را در چارچوب مدل های مردمی داشته باشیم. حتی معتقدم که ما باید به شدت رمز ارزها را تقویت کنیم برای دور زدن تحریم ها. من از سه سال پیش می گفتم که به ادله اولیه هیچ دلیلی برای حرمت این کار نداریم. ادله ثانویه هم که مطرح می کردند، من راه حل جایگزین مطرح می کردم. البته یک زمانی بانک مرکزی مقاومت می کرد و بعد از یک مدتی به عنوان صنعت پذیرفت و امروز هم بانک مرکزی این را قانونی کرد. که این به عنوان یک ابزار است. ما برای دور زدن تحریم خیلی راه داریم. چطور در ایجاد جبهه مقاومت نظامی راه پیدا کردیم، حتما برای تاسیس جبهه مقاومت اقتصادی هم راه داریم و می توانیم این کار را انجام دهیم.

س- مفصل تر هم ورود کردید؟ مثلا موانع تولید یا مصرف، مثل پول اعتباری، قوانین مانع از تولید داخل، نظام مالیاتی و... هم ورود می شود؟

پ- در این بحث نه. مقداری ممکن است اشاره کنیم. چون بحث اصلی ما فقه اقتصاد مقاومتی با رویکرد حمایت از کالای ایرانی است. آن دیگر بحث های دیگری است و من وارد بحث رونق تولید نمی شویم. که آن بحث های خاص خودش را دارد.

البته این بحث ها واقعا از من وقت می گیرد. من مکاسب که می خواهم تدریس کنم، نیم ساعت نگاه می کنم. حتی برای فراتر از متن گفتن هم یک ساعت احوال می بینیم. و می گوئیم این قول به این دلیل ارجح است. ولی این بحث ها خیلی از من وقت می گیرد. من گاهی برای یک ساعت ارائه، ده ساعت وقت می گذارم. اگر بخواهیم به آن مباحث هم ورود کنیم، اصلا فرصت نداریم.